



بررسی پدیدار شناختی پنجره فولاد

مشهدالرضا علیهما السلام

دریافت: ۱۳۹۹/۶/۱۷ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۱۸

کریم خان محمدی^۱

چکیده

شهر زیارتی مشهد مقدس که پایتخت فرهنگی مذهبی ایران لقب گرفته، علاوه بر مرقد امام رضا (علیه السلام) حاوی نمادهای پیرامونی است که در فرهنگ عمومی مردم نقش ایفا می کند. نمادهای مذهبی ضمن اینکه نشان دهنده فرهنگ مردم هستند، تأثیر زیادی در باز نمود و تداوم فرهنگ دارند. بنابراین، مطالعه نمادها، به ویژه نمادهای مذهبی، از منظر مطالعات فرهنگی از اهمیت ویژه برخوردار است. از جمله نمادهای مهم و بسیار معروف پیرامون حرم رضوی «پنجره فولاد» است. نگارنده با اتخاذ رویکرد پدیدار شناختی و استخدام مفهوم «مکان مقدس» میرچا الیاده، برای کشف معانی ذهنی زائران دارای تجربه زیسته پیرامون پنجره فولاد، از فنون «مصاحبه»، «مشاهده»، «مشارکت» و «بررسی اسناد» بهره برده است. تحلیل یافته های حاصل از مطالعه میدانی با روش «تحلیل مضمون» نشان می دهد پنجره فولاد با مضمون فراگیر «مکان مقدس و متعالی»، در ذهنیت ایرانی، محل تلاقی آسمان و زمین، جزئی از ساختار کلان اماکن مقدس شیعی، دست آویز مستحکم، نیروبخش، شفا دهنده، امیدبخش، دل انگیز، دگرگون کننده، محرک جوانمردی و درگاه امام رضا (علیه السلام) تلقی می شود.

کلیدواژه ها: مشهدالرضا، پنجره فولاد، پدیدارشناسی، امام رضا (علیه السلام).

۱. کریم خان محمدی، دانشیار گروه مطالعات فرهنگی و ارتباطات دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام): kxanmohammadi49@yahoo.com

مقدمه

یکی از شهرهای مهم مذهبی ایران که تأثیر به‌سزایی در فرهنگ عمومی دارد، مشهد است. این تأثیر به‌گونه‌ای است که برخی معتقدند: «پایتخت حقیقی ایران مشهد است»^۱. این جمله از زبان وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت، به امام خمینی (ره) نسبت داده شده است (صفارهرندی، ۱۳۸۷: ۱). طبیعی است پایتخت بودن مشهد از حیث فرهنگی است. طبق گزارش رئیس شورای شهر مشهد سالانه بیش از ۲۵ میلیون زائر به مشهد سفر می‌کنند؛ بنابراین، هر سه سال یک‌بار جمعیتی معادل جمعیت کل کشور به عنوان زائر به شهر مشهد وارد می‌شوند و مشهد نگین شهرهای مذهبی محسوب می‌شود (حیدری، ۱۳۹۸: ۱). سفر زیارتی به جایی صورت می‌گیرد که مقدس بوده و هدف زائر همدلی با مزور و به‌اصطلاح کسب «فیض» باشد؛ بنابراین شهر مشهد از یکسو «مقدس» است و از سوی دیگر این «تقدس» به وسیله مسافران مذهبی به کل کشور، بلکه جهان تشیع پخش می‌گردد. بدین ترتیب، شهر مشهد مرکز فرهنگی ایرانیان است؛ اما این تقدس ذاتی شهر نبوده بلکه به خاطر وجود مرقد امام رضا (علیه السلام) است. اصولاً تقدس مکان‌های مقدس به دلیل حوادثی است که در آن رخ می‌دهد. یزید ابن سلام می‌گوید: از رسول خدا پرسیدند چرا سرزمین مقدس را مقدس می‌نامند؟ فرمود به جهت اینکه در آن سرزمین روان‌ها پاک می‌شود و موجودات ماورایی (ملائکه) برگزیده می‌شوند و بدین جهت که در آن سرزمین خداوند با موسی سخن گفته است.^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹: ۳۰۶) بدین ترتیب، در مکانی که به دلیل حادثه‌ای تقدس یافته انسان‌ها حس می‌کنند با نیروهای ماورایی مرتبط شده و حس آرامش و طهارت روح پیدا می‌کنند. در روایت فوق کارکرد مثبت «مکان مقدس» طهارت ارواح و پاک شدن روان‌هاست و اینکه این حالت از طریق اتصال به بالا و به وسیله نیروهای ماورایی یا ملائکه رخ می‌دهد؛

۱. این عبارت در منابع منسوب به امام خمینی (ره) پیدا نشد. ارجاع به منبع دست دوم بدین سبب است. البته آیت الله العظمی صافی گلپایگانی شبیه همین عبارت را دارند و می‌گویند: مشهد پایتخت حقیقی ایران است که امروز در دنیا به عنوان یکی از شهرهای بزرگ مذهبی از اعتبار خاص برخوردار است (tabnak.ir).
 ۲. عن یزید ابن سلام أنه سأل رسول الله ﷺ فقال: يا محمد فآخبرني عن الوادي المقدس لم سمى المقدس؟ قال: لانه قدس فيه الارواح و اصطفت فيه الملائكة و كلم الله موسى تكليما.

اما اینکه چرا این اتفاق در سرزمین مقدس رخ می‌دهد، دلیلش این است که در این سرزمین خداوند متعال با موسی تکلم کرده است یعنی در سرزمینی که موسی به عنوان امام و اسوه با خداوند متصل شده سایر مردم نیز می‌توانند از طریق حلول ملائکه در این سرزمین، به ماورا مرتبط شوند. برخی مفسران درباره «تقدس» مقدس‌ترین مکان مسلمانان، یعنی مکه در تفسیر سوره بلد، آیه ۱-۲ بر حلول پیامبر ﷺ در آن اشاره کرده‌اند و معتقدند: خداوند سبحان بر مکه قسم یاد کرده است که معمولاً به مقدسات قسم می‌خورند (لا اقسام بهذا البلد) و این قسم را به حلول رسول خدا ﷺ در آن شهر مقید کرده است (و انت حل بهذا البلد) تا بدین مطلب اذعان نماید که شرافت مکان به شرافت ساکنان آن است. «اقسم سبحانه بمكة وقیده بحلول الرسول ﷺ فيه اظهارا لمزيد فضله و اشعارا بأن شرف المكان بشرف اهله» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱۸: ۱۷۳) همچنانکه از باب «شرف المكان بالمکین» شرافت «وادی مقدس» به خاطر حادثه تکلم خداوند با موسی بوده و حضور پیامبر ﷺ به مکه سبب مزید شرافت آن است، شرافت مشهد نیز به حلول علی بن موسی الرضا (ع) در آن است. امام رضا (ع) فرمود: همانا در خراسان بقعه‌ای است که زمانی محل آمد و شد ملائکه خواهد شد. بدون وقفه تا زمان نفخ صور، یک گروه از آسمان فرود آمده و گروه دیگر صعود می‌کنند. گفته شد ای فرزند رسول، کدامین بقعه؟ گفت: در سرزمین طوس واقع است. قسم به خدا باغی از باغ‌های بهشتی است. هر کس مرا در این بقعه زیارت کند همانند آن است که پیامبر خدا را زیارت کرده است^۱ (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۵۷۷). به موازات آمد و شد ملائکه، طوس محل رفت و آمد شیعیان می‌شود. چنانکه امام رضا (ع) در پاسخ به سؤال دعبل از محل قبر امام می‌فرماید: در گذر شبها و روزها طوس محل آمد و شد شیعیان و زائران می‌شود. هر کس مرا زیارت کند در روز قیامت، به صورت آمرزیده، هم‌درجه من خواهد بود^۲ (همان، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۶۴).

۱. رَوَى الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا (ع) أَنَّهُ قَالَ إِنَّ بَحْرَاسَانَ لِبُقْعَةٍ بَأَبِي عَلِيٍّهَا زَمَانٌ تَصِيرُ مُخْتَلَفٌ الْمَلَائِكَةُ فَقَالَ فَلَا يَزَالُ فَوْجٌ يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَفَوْجٌ يَصْعَدُ إِلَى أَنْ يُنْفَخَ فِي الصُّورِ فَيَقِيلُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ وَابْنُهُ بُقْعَةٌ هَذِهِ قَالَ هِيَ بِأَرْضِ طُوسٍ فَهِيَ وَاللَّهِ رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ مَنْ زَارَنِي فِي تِلْكَ الْبُقْعَةِ كَانَ كَمَنْ زَارَ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ.

۲. فَقَالَ دَعْبَلُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ هَذَا الْقَبْرُ الَّذِي يَطُوسُ قَبْرُ مَنْ هُوَ فَقَالَ الرُّضَا (ع): لَا تَنْقُضِي الْآيَامَ وَاللَّيَالِيَ حَتَّى تَصِيرَ طُوسٌ مُخْتَلَفٌ شِيعَتِي وَرُؤَارِي أَلَا فَمَنْ زَارَنِي فِي غُرْبَتِي يَطُوسُ كَانَ مَعِيَ فِي ذَرَجَتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْفُورًا لَهُ.

اگر بپذیریم که مشهد به عنوان شهر مقدس، پایتخت فرهنگی ایران بوده و در کلیت فرهنگی ایرانی نقش آفرین است و این جایگاه برای مشهد از حلول امام رضا (علیه السلام) در آن شهر ناشی می‌شود، مطالعه تمام عناصر، مؤلفه‌ها و نمادهای رضوی از ابعاد و زوایای مختلف ضرورت پیدا می‌کند؛ زیرا مطالعه علمی پدیده‌ها به خودآگاهی و در نهایت به «هویت‌بخشی» می‌انجامد. متأسفانه با وجود ضرورت، در حوزه فرهنگ‌سازی رضوی، کمتر رویکرد علمی مطرح نظر بوده و بیشتر به بعد احساسی توجه شده است. به عبارت واضح‌تر امام رضا (علیه السلام) بیشتر با استعاره «ضامن آهو» معرفی شده است. در حالی که آن حضرت «عالم آل محمد» (علیه السلام) است^۱ (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۳۱۷؛ طبری آملی، ۱۴۱۳ق: ۳۱۹)؛ بنابراین شایسته‌تر این است که استعاره «عالم» جایگزین «ضامن» گردد و این مهم، جز با ترویج تحقیقات علمی به انجام نمی‌رسد. تأسیس مراکز علمی دانشگاهی و مجلات تخصصی با محوریت «فرهنگ رضوی» نقطه عطفی در این زمینه محسوب می‌شود و رسالت این نهادها تقویت مبانی فرهنگ رضوی در تمام ابعاد و جنبه‌های پیدا و ناپیدا است.

از جمله ابعاد کمتر مطالعه شده، «نمادهای» شکل گرفته در حریم رضوی است. در حالی که اگر نتوان گفت مهم‌ترین مؤلفه، بلکه از عناصر بسیار مؤثر و نقش آفرین در فرهنگ عمومی همین نمادها هستند. تأثیر نمادها، غیرمستقیم، ناپیدا و در عین حال عمیق است. به طور مثال «پنجره فولاد» به عنوان یک مفهوم انضمامی هر چند یک پنجره ساخته شده از فلز معمولی است؛ اما به دلیل مضمون «نمادین» به تعبیر «رولان بارت» حاوی دلالت‌های آشکار و مضمربسیاری است که در ترویج فرهنگ رضوی نقش مهمی ایفا می‌کند (اسمیت، ۱۳۹۴: ۱۷۶) با وجود اهمیت تنها متن نگارش یافته با عنوان «پنجره فولاد» (صادقی گیوی، ۱۳۹۴) به گوشه‌هایی از زندگی امام پرداخته است؛ بنابراین مطالعه علمی پدیده پنجره فولاد از بعد پدیدارشناسی، عاری از پیشینه مطالعاتی است و از اهمیت به سزایی برخوردار است. از این رو، در این پژوهش محقق به دنبال این

۱. لَقَدْ حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ إِسْحَاقَ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ أَبِيهِ أَنَّ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) كَانَ يَقُولُ لِبَنِيهِ هَذَا أَوْكُمْ عَلَيَّ بْنُ مُوسَى عَالِمٌ آلِ مُحَمَّدٍ فَسَلَوْهُ عَنْ أَذْيَانِكُمْ وَاحْفَظُوا مَا يَقُولُ لَكُمْ.

سؤال است که «پنجره فولاد» در تجربه زیسته ایرانیان چگونه انعکاس یافته است؟ به عبارت دقیق تر، پنجره فولاد مشهدالرضا (علیه السلام) برای زائران چگونه پدیدار می شود؟

تاریخچه نشانگاه

حرم امام رضا (علیه السلام) دارای صحن های مختلفی است که چهار صحن نزدیک به حرم به نامهای «صحن گوهرشاد» در جنوب، «صحن جمهوری اسلامی» در غرب، «صحن آزادی / صحن نو» در شرق و «صحن انقلاب اسلامی / صحن کهنه یا عتیق» در شمال واقع است. صحن، محل تجمع زائران و همچنین محل برگزاری مراسم مذهبی و اقامه نماز جماعت است. به فضاهای بعد از صحن ها که به خیابان منتهی می شود «بست» می گویند.

از میان صحن ها صحن انقلاب اسلامی به دلیل قدمت و در برگرفتن نمادهای «پنجره فولاد»، «سقاخانه» و «نقاره خانه» مشهورترین و مقدس ترین صحن محسوب می شود. این صحن از لحاظ بنا به دو قسمت تقسیم می شود که نهر کلسب و جایگزین امروزی آن، حوض آب، فاصل بین این دو قسمت است. قسمت جنوبی که در طرف ایوان طلای نادری واقع است از بناهای امیر علیشیر وزیر سلطان حسین بایقرا است که در سال ۸۲۷ قمری بنا نهاده است و در این قسمت سابقاً در محل کشیک خانه صحن مطهر واقع بوده است. نصف شمالی آن از بناهای شاه عباس کبیر است که سال ۱۱۲۲ قمری بنا نهاده است (مولوی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۷).

چهار ایوان تاریخی و بزرگ، دورتا دور صحن را فراگرفته است که با معماری جالب و تزیینات نفیس، پیوسته مورد توجه زائران و بینندگان قرار دارند و عبارت اند از: ایوان جنوبی یا ایوان طلا، ایوان غربی (ایوان ساعت)، ایوان شمالی (ایوان عباسی)، ایوان شرقی (ایوان نقاره خانه).

بر ضلع جنوبی صحن انقلاب پنجره بزرگی معروف به پنجره فولاد در مقابل ضریح مطهر نصب است و بسیاری از زائران در این محل که نماد کرامت و باز شدن گره های بسته

زندگی‌شان است عرض ارادت و کسب فیض می‌کنند. در وسط صحن انقلاب، سقاخانه‌ای معروف به سقاخانه اسماعیل طلایی که در اطراف آن چهار حوض آب ساخته شده و از بناهای متعلق به زمان نادرشاه است. به روایت تاریخ سقاخانه بین سال‌های ۱۱۴۴ تا ۱۱۴۵ قمری ساخته شده است (عالم‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۴-۲۸).

این سقاخانه دارای یک سنگاب مرمر یکپارچه به ظرفیت سه کر آب است که نادرشاه افشار آن را از هرات آورده و بر روی آن هم اسماعیلخان طلایی سقف زده و سقف را بر روی ستون‌های مرمر قرار داده و روی آن را با خشت‌های طلا تزیین و نادرشاه مزعه دهشک را بر آن وقف کرده است. گویا از این جهت به دو اسم «اسماعیل طلا» و «نادری» معروف شده که نادرشاه افشار، سنگاب آن را آورده و موقوفه‌ای برای آن قرار داده و اسماعیلخان طلایی بنای آن را ساخته است (ر.ک: فروزان، ۱۳۲۴: ۵۲).

برای نخستین بار در قرن نهم هجری در دوره صفویه و به پیشنهاد ملا محسن کاشانی پنجره‌های نسبتاً کوچک از جنس فولاد در نزدیک‌ترین مکان ممکن به ضریح مطهر رضوی در صحن عتیق قرار گرفت تا اشخاصی که به خاطر عذر شرعی یا موارد مشابه از رفتن به کنار ضریح معذورند بتوانند از پشت این پنجره که ضریح مطهر از داخل شبکه‌های آن پیدا است زیارتنامه بخوانند. دومین پنجره در عهد ناصرالدین‌شاه قاجار از جنس برنز ساخته شد که جایگزین پنجره اول شده و اکنون این پنجره در موزه قرار دارد. با توجه به فرسودگی و ساییده شدن برخی قسمت‌های پنجره قدیمی و مشکلاتی که برای زائران به وجود می‌آمد سومین پنجره از جنس برنز در اوایل انقلاب اسلامی ایران ساخته شده و جایگزین پنجره دوم شد که در پشت رواق توحیدخانه داخل صحن انقلاب اسلامی قرار دارد (ر.ک: مولوی، ۱۳۸۸: ۳۹؛ عالم‌زاده، ۱۳۹۱: ۸۱-۸۹).

با توجه به اینکه در قدیم شب‌ها درهای حرم بسته می‌شد، در این ساعات زائران داخل صحن می‌آمدند و از پشت پنجره فولاد ضمن عرض سلام و توسل به محضر امام (علیه‌السلام) از راهی نهان دل خود را با حضرت در میان می‌گذاشتند. کسانی که عذر شرعی داشته و ورودشان به روضه منوره مشکل داشت نیز از پشت پنجره فولاد آداب زیارت را به جا می‌آوردند.

چهار چوب مفهومی

هر چند مفهوم «پنجره فولاد» یک مفهوم انضمامی بوده و به یک مصداق عینی اشاره دارد؛ اما معنای آن فراتر از یک پنجره معمولی است. پنجره در اذهان افراد مختلف که برای آن بار معنایی قائل هستند به صورت‌های متکثر منعکس می‌شود. به عبارت دیگر، پنجره فولاد یک نماد است. نماد عموماً شیئی کمابیش عینی است که بر معنا یا معناهایی دلالت دارد؛ نمادپردازی از تداعی معانی و پیوستگی تصاویر ذهنی و احساسات ناشی می‌شود (لافورگ، ۱۳۷۴: ۱۴).

از آنجا که پنجره فولاد به یک مکان در حاشیه مشهدالرضا (ع)، شخصیت مورد احترام شیعیان، اشاره دارد، به نظر می‌رسد مفهوم «مکان مقدس» میرچا الیاده چارچوب خوبی برای توضیح این مفهوم فراهم می‌کند. از منظر الیاده هر چند مکان به عنوان محیط انسان دارای ارزش و احترام نسبی است؛ اما همه مکان‌ها به یک سان ارزشمند نیستند. برخی مکان‌ها از تقدس ویژه‌ای برخوردارند که در برابر «مکان عرفی» از آن «مکان مقدس» یاد می‌شود.

در میان پیروان ادیان مختلف، مکان امری متجانس و همگون نیست، برخی مکان‌ها تقدس دارند. خداوند در تورات به موسی می‌گوید: «به اینجا نزدیک نشو، نعلین خود را از پاهایت بیرون کن، زیرا مکانی که در آن ایستاده‌ای زمین مقدس است» (گروسی، بیتا، کتاب مقدس، خروج، ۳: ۵) همان عبارت در قرآن کریم تکرار شده است «انی انا ربک فاخلع نعلیک انک بالواد المقدس طوی» (طه، ۱۲). به همین سان شهید مطهری به مردم توصیه می‌کند حتی اگر در سایر مکان‌ها حجاب را رعایت نمی‌کنید دست کم در مشاهد مشرفه و حرم امام رضا (ع) رعایت کنید زیرا مکان مقدس است (مطهری، ۱۳۸۷، ج ۲۵: ۳۸۳).

مکان مقدس در اندیشه الیاده دارای ویژگی‌هایی است که مرور این ویژگی‌ها ما را در فهم معنای پنجره فولاد کمک می‌کند. چرا که پنجره نمادی از یک مکان مقدس در پیرامون حرم مطهر رضوی است.

الف. مرکزیت: مکان مقدس در اندیشه باورمندان میل به مرکزیت دارد. به زعم الیاده، مکان مقدس، مرکزی است که جهان در پیرامون آن نظم گرفته است؛ بنابراین مرکز خلقت و فیضان است (الیاده، ۱۳۹۵: ۷۱؛ ۱۳۹۴: ۱۷۶) در باور مسلمانان، کعبه، مرکز ثابت مطلق است که مرکز عالم و واسطه بین زمین و آسمان است (Eliade, 1959: 36-40). همچنانکه مسلمانان معتقدند بر اساس آموزه قرآن کریم (آل عمران، ۹۶) کعبه اولین مکانی است که در «دحو الارض» از زیر آب ظهور یافته و از منظرهای مختلف مرکز عالم است. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «کعبه از آن جهت کعبه نامیده می شود که وسط دنیاست؛ سُمِّيَتْ الْكَعْبَةُ كَعْبَةً لِأَنَّهَا وَسَطُ الدُّنْيَا» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ج ۲: ۱۹۰؛ ۱۳۷۸ ق: ۹۰) به دلیل همین مرکزیت، قبله محسوب می شود و همه مسلمانان به سوی کعبه نماز می خوانند؛ بنابراین هر نوع مکان مقدسی یک نوع مرکزیت نسبت به مؤمنین دارد و حلقه اتصال آن ها محسوب می شود.

ب. حلقه اتصال: مکان مقدس حلقه اتصال زمین و آسمان است. به تعبیر بررتون نقطه تلاقی جهان با قلمرو الهی به شمار می آید (بررتون، ۱۳۷۷: ۱۴۰).

در مکان مقدس امکان ارتباط با جهان بالا (جهان لاهوت و خدایی) و جهان زیرین (جهان مرده ها) به سهولت میسر می شود (Eliade, 1959: 28) بنابراین انسان ها احساس می کنند در مکان مقدس به خدا نزدیک می شوند و دعای آن ها قبول می شود و با همین منطق درگذشتگان را در این مکان ها بیشتر یاد می کنند چون حس واسطه گری به آن ها دست می دهد و احساس می کنند می توانند برای زمین از آسمان کسب فیض نمایند.

ج. عناصر سه گانه: مکان مقدس معمولاً حاوی سه عنصر اساسی آب، سنگ و درخت است (الیاده، ۱۳۸۵: ۲۶۴) در مکان های مقدس دست کم یکی از عناصر فوق وجود دارد. به طور سنتی مکان های مقدس پیرامون چشمه، کوه یا درخت شکل می گیرند. حتی مکان های مقدسی که به دلیل دفن شدن یک شخصیت یا وقوع یک حادثه تقدس عاریتی یافته معمولاً نمادی از عناصر سه گانه وجود دارد.

به عنوان مثال، مقدس ترین مکان مسلمانان، کعبه، نه تنها از سنگ ساخته شده بلکه

حاوی سنگ سیاه، حجر الأسود، به عنوان نماد دست خداوند است^۱ (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۰: ۱۶۸). بر اساس روایات اسلامی هنگام حضور هاجر و اسماعیل در جوار کعبه، مکه سه عنصر اصلی مکان مقدس را دارا بود. زمانی که آن‌ها در این مکان فرود آمدند در آن درختی بود که هاجر بدان تکیه کرد. «فلما نزلوا فی ذلك المكان کان فیها شجر فألقت هاجر علی ذلك الشجر» (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳: ۹۲) همچنین در کنار کعبه دو نماد دیگر یعنی مقام ابراهیم از سنگ بوده و جاه زمزم عنصر آب را به نمایش می‌گذارد.

در مکان‌های مقدس ایران نیز عناصر سه‌گانه کم و بیش قابل مشاهده است. امامزاده علی اصغر (علیه السلام) در زرآباد الموت قزوین با چنار خون‌بار شهرت دارد (خان محمدی، ۱۳۹۸: ۷۸-۸۳). امامزاده سلطانعلی فرزند امام باقر (علیه السلام) در مشهد اردهال با دو نماد دیگر یعنی کوه‌های سنگی و چشمه شازده حسین هم‌جوار است (خان محمدی، ۱۳۸۵: ۸۱). بدین ترتیب، در نبود عناصر طبیعی مکان‌های مقدس حاوی سقاخانه است (عنصری، ۱۳۸۳: ۱۳۲-۱۳۵).

د. نیروبخشی: مکان مقدس توان بخش است. افراد حاضر در مکان‌های مقدس احساس می‌کنند. به دلیل اتصال به عالم بالا از نیروی بیشتری برخوردار می‌شوند. مکان مقدس، تقدس را به افراد حاضر در آن انتقال می‌دهد (Eliade, 1959: 24) مکان مقدس به مثابه نقطه اتصال آسمان و زمین سرشار از قدرت و حقیقت است و آدمی با پا نهادن در آن محدوده، از قدرت و قداستش بهره‌مند می‌شود (الیاده، ۱۳۸۵: ۳۴۶).

تسری تقدس و نیروبخشی به افراد به گونه‌ای است که افراد عرفی، هنگام حضور در مکان مقدس، از وضع عادی متمایز می‌شوند. دیگران به او التماس دعا می‌کنند و خود وی نیز احساس نیرومندی می‌کند. البته این تقدس موقتی نبوده و تأثیر درازمدت دارد. به افرادی که طی مراسمی در مکه مکرمه حضور یافته‌اند «حاجی» اطلاق می‌شود و به

۱. قَالَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): مَنْ صَافَحَ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ فَقَدْ صَافَحَ اللَّهَ تَعَالَى فَانْظُرْ يَا مَسْكِينُ لَا تُصَيِّغْ أُجْرَ مَا عَظُمَ حُرْمَتُهُ وَ تَنَقُّضُ الْمُصَافَحَةِ بِالْمُخَالَفَةِ

افرادی که به مشهد مقدس سفر کرده‌اند «مشهدی» می‌گویند. اصولاً شمن‌ها از این ویژگی برخوردار هستند که به دلیل اتصال دایمی به مکان مقدس و آشنایی با ارواح از توانمندی دایمی بهره‌مند می‌شوند (الیاده، ۱۳۹۵، ج ۳: ۲۵).

ر. ساختار مندی: مکان مقدس جزئی از یک ساختار کلان است. یک مکان مقدس نه تنها از یک ساختار و نظم درونی برخوردار است بلکه در ساختاری بزرگ‌تر معنا می‌یابد که مکان مقدس را در برابر مکان نامتعیین و عرفی قرار می‌دهد. یک مکان مقدس درست است که حدودی دارد که آن را از مکان‌های عرفی پیرامون جدا می‌کند؛ اما همین مکان وابسته به مکان‌ها و سایر عناصر مقدس دیگر بوده و جزئی از آن محسوب می‌شود (الیاده، ۱۳۸۵: ۲۶۴؛ ۱۳۹۴: ۱۹۵).

به عنوان نمونه، همه مساجد مقدس‌اند. احکام مسجد با دیوارهای محصور از سایر اماکن جداست؛ اما همین مساجد در اتصال به هم یک ساختار کلانی تشکیل می‌دهند و دارای احکام مشترک‌اند. در همه مساجد به سوی مسجد الحرام (کعبه) نماز خوانده می‌شود و در همه مساجد نمودار کعبه یعنی «محراب» وجود دارد. البته تقدس ذومراتب است. مسجد الحرام مقدس‌ترین مسجد مسلمانان است و بقیه مساجد نیز به صورت مشکک دارای تقدس هستند. این ساختار کلان درباره امام‌زاده‌ها نیز صادق است. تقدس همه امام‌زاده‌ها از اتصال به ائمه و در نهایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ناشی می‌شود. این نوع ساختار مندی نه تنها در سطح کلان بلکه در درون هر یک از مکان‌های مقدس به صورت مجزا نیز صدق می‌کند. تمام متعلقات یک مکان مقدس مثل منبر، فرش، درب، دیوار، چارو به تناسب مقدس می‌شوند و احکام ویژه‌ای بر آن‌ها بار می‌شود. فرش مسجد را نمی‌توان نجس کرد. مادامی که مساجد دیگر نیاز دارند نمی‌توان آن را به جای دیگر فروخت؛ بنابراین به سهولت نمی‌توان مکان مقدس و متعلقات آن را عرفی کرد (ر. ک: بنی هاشمی خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱: ۵۲۶-۵۲۹).

س. حرمت و احترام: مکان مقدس دارای حرمت است. حرمت دو معنای تناقضنا دارد. مکان مقدس در عین آنکه مقدس، مبارک و دوست‌داشتی است، پرهیبت و خطرناک نیز

است. به تعبیر الیاده واژه sacer هم به معنای مقدس و هم به معنای ملعون به کار می‌رود. همچنان که واژه haghios نیز به دو معنای پاک و آلوده به کار می‌رود (الیاده، ۱۳۸۵: ۳۴۸) در ادبیات اسلام نیز «حرام» و «حرم» هم‌ریشه بوده و معنای دووجهی دارد. از یک سو مقدس و دارای احترام است از سوی دیگر می‌بایست از نزدیک شدن به آن‌ها در حالت دنیوی پرهیز شود. هرچه مکان مقدس‌تر باشد حرمت نیز بیشتر است. به عنوان نمونه در حالت جُنُب بودن، به هیچ وجه نمی‌توان داخل مسجدالحرام و مسجدالنبی شد؛ اما می‌توان در سایر مساجد از یک درب وارد و از درب دیگر خارج شد (خمینی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۴۸).

روش تحقیق

رویکرد پژوهشی در این مقاله پدیدارشناسی^۱ است. در مکتب پدیدارشناسی، اشیا نه «آن‌گونه که هستند» بلکه «آن‌گونه که بر ما ظاهر می‌شوند» مورد مطالعه قرار می‌گیرند (دانایی فرد، ۱۳۸۹: ۱۰۶). پدیدارشناسی از نظر لغوی عبارت از مطالعه پدیده‌ها از هر نوع و توصیف آن‌ها با در نظر گرفتن نحوه بروز و تجلی آن‌ها، قبل از هرگونه ارزش‌گذاری، تأویل یا قضاوت ارزشی است. پدیدارشناسی گستره معنایی وسیعی دارد؛ در سطوح نازل به توصیف صرف موضوع معین از طریق شعور بی‌واسطه^۲ اطلاق می‌شود اما در سطوح فراتر تلاش می‌کند از ظواهر عبور نموده و به باطن دست یابد (فرامرزی قراملکی، ۱۳۹۶: ۳۳۸).

پیش‌فرض این رویکرد این است که جهان خارج مستقل از آگاهی وجود دارد اما این نگرش طبیعی باید در «پرانتز» قرار بگیرد و اشیا آن‌گونه که در اذهان بینندگان نقش می‌بندد مورد مطالعه قرار بگیرد. مفهوم اپوخه (پرانتز) در مکاتب پدیدارشناسی بدین معنا است که نه خود شی بلکه چیستی آن در اذهان، مطالعه می‌شود. طبیعی است برحسب «افق»، معنا متکثر می‌شود ولی پدیدارشناس تلاش می‌کند جنبه فردی آگاهی را کنار

1. phenomenology
2. direct awareness

گذاشته و به آن‌ها به مثابه ایدوس^۱ یا ماهیت نگاه کند (آیت‌اللهی، ۱۳۸۲: ۱۲۳).

پدیدارشناسی اساساً مطالعه «تجربه زیسته» یا «جهان زندگی» است و می‌کوشد معانی پدیده را آنچنان که در زندگی روزمره زیسته می‌شود، آشکار سازد. در نتیجه، در این روش، هدف اصلی از انجام یک توصیف جامع از پدیده تجربه‌شده، دستیابی به درک ساختار ذاتی آن است و ارائه یک مفهوم تفسیری از درک پدیده، بیش از توصیف آن مدنظر است (امامی سیگارودی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۷-۵۸).

همچنان که ملاحظه می‌شود پدیدارشناس برای مطالعه «تجربه زیسته» افراد از یک پدیده باید دو مرحله اساسی را طی کند؛ اول اینکه پدیده در اذهان افراد تجربه‌کننده چگونه انعکاس یافته است؟ دوم اینکه با حذف افق و ملاحظه مشترکات، «ماهیت» پدیده مورد مطالعه چیست؟ مرحله اول به تولید داده و جمع‌آوری اطلاعات و مرحله دوم به تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط است که به شرح مختصر آن‌ها می‌پردازیم.

الف. جمع‌آوری اطلاعات

نگارنده برای طی مرحله اول در مطالعه پدیدارشناختی «پنجره فولاد»، به منظور جمع‌آوری اطلاعات و کشف باورداشت‌ها و برداشت‌های محلی (رهیافت امیک^۲) از فنون مختلف مردم شناختی، یعنی؛ مصاحبه، مشاهده مشارکتی، شجره‌شناسی و بررسی اسناد و مدارک، بهره‌گرفته است (کناک، ۱۳۸۶: ۶۸۶). از این رو، در این پژوهش، در بازه زمانی تابستان ۱۳۹۷ تا تابستان ۱۳۹۹ محقق از فنون زیر بهره‌برده است.

۱. **مشاهده مشارکتی:** نگارنده با حضور در نشانگاه، در تابستان ۱۳۹۷، عید ۱۳۹۸، تابستان ۱۳۹۸ و عید ۱۳۹۹، با مشاهده کامل پدیده از منظرهای مختلف، چه به صورت آشکار و چه پنهان، تمامی عناصر و مؤلفه‌ها، فضای فیزیکی، مناسک و مراسم را بررسی

1. Eidos

2. emic

کرد. در فرایند این مشاهدات، مشارکت در صحنه، استفاده از عکس، فیلم برداری، نتایج بهتری را نصیب محقق کرد.

۲. مصاحبه همدلانه: برای کشف معنای انعکاس یافته از پنجره فولاد در تجربه زیسته ایرانیان ۷۰ مصاحبه کوتاه و همدلانه، در نشانگاه، یعنی صحن انقلاب اسلامی و سایر مکان‌ها انجام گرفته است. معیار برای انتخاب مصاحبه‌شونده، داشتن تجربه پدیده است که اکثریت قریب به اتفاق ایرانیان دارای چنین تجربه‌ای هستند. همچنان که کرسول بیان می‌کند «در یک مطالعه پدیدارشناسی ممکن است افراد در یک محل باشند یا نباشند. مهم‌ترین چیز این است که آنان باید افرادی باشند که همگی پدیده مورد مطالعه را تجربه کرده و بتوانند تجارب زنده‌شان را به خوبی بیان کنند» (کرسول، ۲۰۰۷: ۱۱۹، به نقل از: دانایی‌فرد، ۱۳۸۹: ۱۳۸).

انتخاب مصاحبه‌شوندگان به صورت هدفمند به لحاظ مکانی به دو بخش نشانگاه و خارج از نشانگاه و به لحاظ سطح آگاهی به دو گروه نخبگانی و عادی تقسیم می‌شود. بدین ترتیب با ۳۰ نفر از افراد حاضر در جوار پنجره فولاد گفت‌وگو صورت گرفته و از خلال آن جملات کلیدی یادداشت شده است. در بخش نخبگانی، با الهام از فنون فرافکنی در روان‌شناسی، از قبیل «آزمون بیست گزاره‌ای»، «اوزگود»، «رورشاخ» و «تکمیل جملات»، به ۳۰ دانشجوی دانشگاه باقرالعلوم (علیه السلام)، در قم و اصفهان، تصویر یا واژه «پنجره فولاد» ارائه و از آن‌ها درخواست شد احساسات خویش را بیان کنند یا بنگارند. از ۱۰ نفر از استادان همان دانشگاه نیز خواسته شد دست‌کم پنج جمله در باره پنجره فولاد بنویسند.

۳. شجره‌شناسی و بررسی اسناد: برای آگاهی از تاریخچه پدیده و شناخت از پیشینه بحث و همچنین بررسی دقیق ابعاد گوناگون موضوع، ضروری است اسناد و مدارک تاریخی پدیده به دقت بررسی شود. لذا نگارنده از یک سو با ورود به مکان و گرفتن فیلم و عکس و پرسیدن اطلاعات از متولیان و خادمان، سعی در جمع‌آوری اسناد شفاهی و از دیگر سو با

۱. با تشکر از استادان محترم و حجج‌اسلام: دکتر حمید پارسا، دکتر سید محمود موسوی، دکتر نعمت‌الله کرم‌اللهی، دکتر سید محمدحسین هاشمیان، دکتر اصغر اسلامی تنها، دکتر محمدعلی غمامی، دکتر رفیع الدین اسماعیلی، دکتر حسین سوزنچی، دکتر مهدی مولایی آرانی، دکتر ابراهیم فتحی و دکتر محمد ستوده.

بررسی کتب و مقالات و سایت‌های مرتبط، اسناد موجود را نیز بررسی و مطالعه کرده است.

ب. تحلیل اطلاعات

به تناسب رویکرد اتخاذ شده، برای تحلیل اطلاعات از روش تحلیل مضمون^۱ استفاده می‌شود. تحلیل مضمون، روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است. در این روش داده‌های متنی پراکنده و متنوع به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌شود (عابدی، ۱۳۹۰: ۱۵۳).

تحلیل مضمون ابزار تحقیقاتی منعطف و مفیدی است که برای تحلیل حجم زیادی از داده‌های پیچیده و مفصل، می‌توان از آن استفاده کرد. همچنین، تحلیل مضمون، روشی است که هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به کار می‌رود (Braun & Clarke, 2006: 83). تحلیل مضمون، صرفاً روش کیفی خاصی نیست، بلکه فرایندی است که می‌توان در اکثر روش‌های کیفی به کار برد. به طور کلی، تحلیل مضمون، شیوه‌ای است برای:

الف. دیدن متن؛

ب. برداشت و درک مناسب از اطلاعات ظاهراً نامرتبط؛

ج. تحلیل اطلاعات کیفی؛

د. تبدیل داده‌ها به مفاهیم و ایجاد نظم منطقی (Boyatzis, 1998: 4).

فرایند تحلیل مضمون در این تحقیق، طی چند مرحله به ترتیب زیر انجام می‌گیرد.

۱. مطالعه محتوای مصاحبه‌ها

ابتدا مطالب حاصل از مصاحبه‌ها، مشاهدات و احیاناً مندرج در ادبیات عامیانه درباره

1. Thematic Analysis

پنجره فولاد را مطالعه و عبارت‌های متناسب با هدف محوری تحقیق، یعنی مضامین حاوی معانی ذهنی را استخراج می‌کنیم. هر چند همه مطالب در تحلیل و فهم موضوع دخیل هستند اما برای اختصار به مقتضای گنجایش مقاله علمی، نتایج نهایی به این جملات مستند خواهد بود.

۲. کدگذاری اولیه

جملات و عبارت‌های گزینش شده و حاوی منطوق یا مفهوم «پنجره فولاد» معمولاً متضمن برخی واژگان کلیدی است که از طریق تداعی معانی بر زبان مصاحبه‌شوندگان جاری شده است. این مفاهیم می‌توانند ما را به مضامین جهت دهنده رهنمون سازند؛ بنابراین برای سهولت انتقال، زیر این‌گونه واژه‌ها خط می‌کشیم. در واقع کلمات نشان‌دار (های لایت شده) به تسامح مضامین پایه^۱ محسوب می‌شوند.

۳. کدگذاری ثانویه

جملات حاوی مضامین مشترک را خوشه‌بندی و بر حسب محتوای غالب عنوان‌بندی می‌کنیم. در واقع هر کدام از این عنوان‌ها، مشعر به یک مضمون سازمان دهنده^۲ است. هر چند خوشه‌بندی نمی‌تواند کاملاً دارای طرد متقابل باشد؛ زیرا جملات معمولاً حاوی چند مضمون پایه است اما بر حسب معنای غالب جملات ذیل یک تیتراژ قرار می‌گیرد.

۴. ترسیم شبکه مضامین

در جمع‌بندی نهایی مقاله، تلاش می‌شود با بهره‌گیری از تیتراژهای فصول پیشین، مضامین فراگیر^۳ را استنباط و بر مدار مکانیسم منطقی، به سمت مدل مفهومی حرکت

1. Global
2. Organizing
3. Basic

نماییم. در این مرحله با ترسیم شماتیک شبکه مضامین و رتبه‌بندی آن‌ها از پایه تا فراگیر به معانی مشترک پنجره فولاد در اذهان کنشگران ایرانی دست می‌یابیم.

یافته‌های توصیفی

در این بخش عبارات‌های مربوط به خوشه مفهومی واحد را ضمن تبدیل از حالت گفتاری به وضعیت نوشتاری بدون شرح و توضیح، دسته‌بندی می‌کنیم و برحسب بیشترین قرابت، تحت یک عنوان قرار می‌دهیم. برای سهولت انتقال مطلب به خواننده، زیر کلمات کلیدی خط خواهیم کشید.

۱. حاجت‌خواهی:

«ای حاجت‌محتاج‌ترین‌ها، آقا!! ای ذکر دخیل بستنم، یا آقا!! یک لال کنار پنجره فولاد / یک دفعه صدا می‌زند: آقا! آقا»

«گرچه آهونستم، اما پر از دل‌تنگی‌ام / ضامن چشمان آهوها، به دادم می‌رسی؟ / من دخیل التماسم را به چشم‌ت بسته‌ام / هشتمین دردانه زهر به دادم می‌رسی؟»

«برای طلب حاجت معمولاً به پنجره فولاد می‌رویم تا مکان‌های دیگر، در کنار پنجره فولاد افراد زیادی جمع می‌شوند و حاجت می‌گیرند». «من خودم دیدم که یک مریض کنار پنجره فولاد شفا گرفت. امام شفا می‌دهد اما کنار پنجره فولاد بیشتر شفا می‌دهد» (خانم دانشجو)

«بسیاری از مردم اعتقاد دارند در غل و زنجیر کردن فولاد حرم امام رضا روا شدن حاجت حتمی است»

«پنجره فولاد مأمّن بسیاری از درماندگان است که به حضرت رضا پناه می‌آورند. پناه بی‌پناهان هیچ‌کس را بدون حاجت بر نمی‌گرداند»

«طناب‌ها و ریسمان‌های متعددی از پنجره فولاد بسته شده است. مردم با دخیل بستن به پنجره فولاد حاجت می‌گیرند»

۲. گره‌گشایی:

«بر پنجره فولاد نظر کردم و دیدم / منت کشی کورترین گره‌ها را / از گنبد زرین تو کردند
مشخص / معیارِ گران‌بودنِ هر خِشتِ طلارا»

«پنجره فولاد مشبک است. در حرم امام رضا (علیه السلام) حلقه‌ها به هم گره خورده‌اند هر گره‌ای را باز می‌کند.»

«پنجره فولاد گره‌گشا است... پنجره فولاد رضابرات کربلا می‌ده»

«طنابی که پنجره فولاد بسته شود به دست امام رضا باز می‌شود. خداوند همه مریض‌ها را شفا دهد»

«مادر با اعتقادی کامل، ویلچر کودک خود را با نخ به پنجره فولاد بسته و ادعا می‌کند
شاید شفا پیدا کند امام رضای گره‌گشا ناامیدش نکن»

«وقتی می‌خواهم از حرم بیرون بروم من حاجتم را به پنجره فولاد گره می‌زنم به امید گره‌گشایی از آن‌ها در دیدار بعدی»

«هرکسی از صحن انقلاب بگذرد ناخودآگاه بند دلش را به پنجره فولاد گره می‌زند»

۳. استحکام فولادین:

«پنجره فولاد از جنس فولاد است. مریض‌ها را شفا می‌دهد. محکم است مثل فولاد
ردخور ندارد»

«پنجره فولاد پنجره‌ای طلایی از جنس فولاد که هم سختی فولاد را دارد هم نرمی طلا،

پنجره‌ای است برای فولادی شدن زائر» (اسلامی تنها، عضو هیئت علمی دانشگاه)

«پنجره فولاد سازه محکمی است قیمت فولاد از آهن گران تر است. کنار پنجره فولاد از بقیه جاها با ارزش تر است خیلی محکم است یعنی دعا ردخور ندارد»

«ما تازه ازدواج کرده ایم... جلوی پنجره فولاد نشسته ایم تا دل های ما مثل پنجره فولاد به هم گیره بخورد. زندگی مان استحکام پیدا کند»

«پنجره فولاد از جنس فولاد است یعنی اگر از آن آویزان بشوی اصلاً پاره نمی شود. دل انسان نرم است فولاد سخت است»

۴. امید و نگاه به بالا:

«نقاره اگر به دست وپا می آید / از عمق درونش به صدا می آید / شک نیست دوباره معجزه در راه است / از پنجره فولاد، شفا می آید» (ابراهیم طاهریان)

«پنجره در مقابل درب معنا دارد. فولاد جنس این پنجره است که در مقابل چوب جنس در است. در خصوص درب کنش ورود رخ می دهد؛ و در خصوص پنجره نگریستن و تماشا رخ می دهد. پنجره حریم ورود را حفظ می کند اما امکان ارتباط از دور نگاه کردن است که امید داشتن را در دل زائر زنده می کند؛ بنابراین پنجره نمادی از امید است» (دکتر غمامی، عضو هیئت علمی دانشگاه)

«پنجره فولاد به شما می گوید: اگر در بسته بود از پنجره وارد شو. هیچ وقت ناامید نشوید امام رضا (علیه السلام) کسی را ناامید نمی کند... من همیشه با امید به حرم می روم. اگر حاجت نداد حتماً صلاح نیست جایش چیز دیگری می دهد کرم امام قربانش بروم پایان ندارد.»

«پنجره فولاد، پنجره‌ای به امیدها و آرزوهای مقدس است. نمادی از حس حضور است»

«پنجره فولاد محل عرض ارادت مضطربان و ناامیدان از خلق خدا به ساحت ولی خداست»

«آستان آسمان دست دراز کرده تا پنجره فولاد توراً... در پنجره فولاد تو آفتاب دخیل بسته است... در کنار پنجره فولاد صدای بال فرشته را می توان شنید» (یک خانم دانشجو)

«پنجره فولاد در واقع فرودگاه است. ملائکه فوج فوج در آنجا وارد می شدند و خواسته دردمندان را به بالا می برند... کبوتران حرم امام رضا صحن انقلاب دانه می چینند و پرواز می کنند. در واقع آن ها گناهان را پاک می کنند و درد دل بی پناهان را به آسمان ها می برند همان طور که کبوترها دانه ها را می چینند امام رضا زائران مخلص را می چیند و انتخاب می کند»

«کبوترهای حرم ملائکه اند از جنس همان کبوترانی هستند که خبر شهادت امام حسین را به مدینه بردند. روی جنازه امام جواد (ع) سایه افکندند. الان هم درد دل زائران امام رضا (ع) را به خدا می رسانند آن ها نمی توانند از حرم دل بکنند همیشه دور حرم طواف می کنند»

۵. محل تلاقی آسمان و زمین

«یک آسمان عشق من و یک پنجره فولادتان / ای پنجره فولادتان اندازه هفت آسمان / مشتاق دیدارم ولی من آسمانی نیستم / تا آسمان راهم بده تا یک حضور جاودان»

«پنجره فولاد محل تلاقی عالم ماده و عالم معناست» (دکتر حمید پارسانیا، عضو هیئت علمی دانشگاه)

«پنجره در فضای باز است ارتباط با آسمان مستقیم است در فضای باز آدم بیشتر حال می کند نماز عید هم مستحب است در فضای باز باشد»

«چقدر باحال بود بعد از نماز صبح جلوی پنجره فولاد ایستاده بودم، نقاره می زدند... وقتی که که خورشید طلوع می کرد حس می کردم برکات از آسمان سرازیر می شود»

«روزنه ای از بهشت نمایان شد باران نور بر زمین بارید. پنجره ای برای آن ساختند نامش شد پنجره فولاد» (دکتر اسماعیلی، عضو هیئت علمی دانشگاه)

«پنجره ای برای پرواز به سوی بیکران هستی. در اینجا هوا برای پریدن مناسب است»

۶. شفا یافتن / استشفاء:

«شنیده ام که: «کسانی شبیه و شکل مرا»؛ / کنار پنجره ی فولاد می دهند شفا...!»

«کنار پنجره فولاد خسته و رفته / دلیم به شوق زیارت هزار تگه شده / به صحن های حریمت جدا جدا رفته / کنار پنجره فولاد و موج بیماران»

«مریض ها و نیازمندان به پنجره فولاد دخیل می بندند. بسیاری از بیماران از طریق دخیل با پنجره فولاد شفا یافته اند» (دکتر پارسانیا، عضو هیئت علمی دانشگاه)

«پنجره فولاد برای زائرین حرم امام رضا نماد شفا گرفتن است»

«مکانی برای مشاهده ملتمسین به حضرت. کسانی که مشکل دارند و مریض هایی که

شفا می خواهند...»

«پنجره فولاد یعنی شفاخانه امام رضا و خلوتگاه عشق»

۷. قدمت / تقدم:

در کنار پنجره فولاد همیشه به یاد دوران کودکی می افتم فکر می کنم ای کاش بتوانم حس و حال عاشقانه افرادی که پای پنجره فولاد هستند را درک کنم... (دکتر مولایی، عضو هیئت علمی دانشگاه)

«در حرم امام رضا علیه السلام خیلی پنجره هست اما قدیم ترینش پنجره فولاد است. خیلی ها در آنجا شفا یافته اند خیلی آدم های دردمند متوسل شده اند خیلی ها وصل شدند و به آنچه خواستند رسیدند»

«از قدیم من شنیده ام پنجره فولاد شفا می دهد خیلی ها جلوی پنجره فولاد از امام رضا

شفا گرفته‌اند خیلی‌ها حاجت گرفته‌اند»

«من شنیده‌ام قبل از توسعه حرم جلوی پنجره فولاد خیابان بوده و از آن زمان مقدس است»

«بچه که بودم، هنوز مشهد را ندیده بودم؛ اما اسم پنجره فولاد را شنیده بودم. مادرم به یک خانمی می‌گفت: حتماً مرا کنار پنجره فولاد یاد کن»

۸. روابط ساختاری با اماکن مقدس:

«پنجره فولاد/ سقاخانه و/ گنبد طلا... / هر که در صحن است/ محو این مثلث می‌شود...!»

«حرمت زودتر از کعبه مرا حاجی کرد/ حج ما آخر ذی‌القعدة به پا برخیزد/ بر نمی‌گردم از این پنجره رؤیایی/ تا تبسم بوزد از لب آن دریایی»

«پنجره فولاد رضا دل منو جلا می‌ده / پنجره فولاد آقا برات کربلا می‌ده / قسم به اون کاسه‌های طلائی سقاخونت / این دل سنگ منو، به کاسه‌ای جلا بده»

«پنجره فولاد رضا برات کربلا می‌ده / هر کی می‌ره کربلا از حرم رضا می‌ره / به ارتباط خوبیه بین طوس و کربلا / دل براش که تنگ می‌شه می‌رم پیش امام رضا»

«گرد حرم دوبیده ام منا و مروه دیده ام / اما بگم: هیچ کجا برای من صحن رضا نمی‌شود»

«از علی موسی الرضا تا علی مرتضی یک قدم فاصله است. کافی است کنار پنجره فولاد پنجره دل باز شود»

«پنجره فولاد دل آدم را از امام رضا (ع) به کربلا و مدینه گره می‌زند. حلقه اتصال است»

«پنجره‌ای از حرمت باز شد، رو به سوی مدینه، چقدر بوی مادر می‌دهد پنجره فولاد... حضرت مادر برای ایرانیان از بهشت سوغات انتخاب کرد و جبرئیل پیک مادر

شد تا در کنج حرمت پنجره‌ای رو به خانه مادر بزنند نامش را گذاشتند پنجره فولاد» (دکتر اسماعیلی، عضو هیئت علمی دانشگاه)

«وقتی روبه‌روی پنجره فولاد می‌نشینی پنجره فولاد پشت سر ضریح امام رضا علیه‌السلام است. شما رو به قبله هستی هم ضریح جلوی شماست. هم کعبه به هر دو احترام می‌گذارد شاید به این خاطر خیلی باحال است و بقیه پنجره‌ها روبه‌قبله نیستند»

«روبه‌روی پنجره فولاد می‌شود نماز خواند در حال نماز آدم ضریح را می‌بیند به امام احترام می‌کند از خدا حاجت می‌خواهند. خوب روبه‌روی قبله بودن خیلی مهم است»

«مکه هم بروی چند جا خیلی مقدس است. مسجد الحرام همه‌اش مسجد است و خیلی مقدس است. اصلاً بدون طهارت نمی‌شود وارد شد. کعبه خیلی مقدس است مرکز مسجد الحرام است. حجر اسماعیل، مقام ابراهیم جای بسیار ستودنی است. ضریح امام رضا علیه‌السلام مثل کعبه است. به نظر من پنجره فولاد به جای مقام ابراهیم است. پشت سر آن نماز می‌خوانند البته همه جای مسجد می‌شود نماز خواند اما بعد از طواف باید دو رکعت نماز پشت مقام خواند. پنجره فولاد این طور جایی است...»

«پشت مقام ابراهیم چاه زمزم قرار دارد که آب آن مقدس است. سقاخانه اسماعیل طلا مثل چاه زمزم است آبش شفاست. هر دو آب برای اسماعیل است»

۹. دگرگونی روحی:

«خوشبخت‌تر از مرا نشانم بدهید / دیوانه زنجیری سلطان شده‌ام / این معجزه پنجره فولاد رضاست / امروز اگر اهل و مسلمان شده‌ام»

«پنجره فولاد رضا دل منو شفا می‌ده / گریه کنای جدشو برات کربلا می‌ده / آی رفقا آی رفقا امشب بیاین دعا کنیم / تا که بریم به کربلا، عرفه با امام رضا»

«حتی موقعی که مشهد نیستم دلم برای پنجره فولاد تنگ است. پنجره فولاد پنجره ای رو به سوی عشق است. خاستگاه عاشقان است هر جا باشی می توانی با دل سفر کنی»
 «چنگ زدن بر پنجره فولاد، پولاد را آب می کند و اشک را از دیدگان فرومی بارد» (دکتر کرم الهی، عضو هیئت علمی دانشگاه)

«اطراف پنجره فولاد معمولاً شلوغ است خیلی ها آنجا حال پیدا می کنند من خودم وقتی به مریضان نگاه می کنم خیلی حسن و حال پیدا می کنم بعضی وقت ها گریه ام می گیرد»

«در اطراف حرم حجت الاسلام والمسلمین دکتر عبدالحسین خسروپناه را دیدم. پرسید: چرا با لباس شخصی هستی... گفتم در حال تحقیق میدانی درباره پنجره فولاد هستم. گفت: راستی من در کنار پنجره فولاد خیلی حال پیدا می کنم شاید هیچ جای حرم مثل پنجره فولاد نباشد. البته دلیلش را نمی دانم ولی خیلی مؤثر است»

«نزدیک ترین ورودی به حرم مطهر امام که اغلب محل تجمع انسان های متالم است. جایی برای درد دل است. با درد دل کردن انسان آرامش روحی پیدا می کند. من جلوی پنجره فولاد خیلی سبک می شوم»

«کنار پنجره فولاد حسن و حال دیگری پیدا می کنم. حس می کنم خدا بیشتر توجه می کند. یک بار نیست، هر دفعه که مشهد میام یکی از جاهای باحال که حتماً زیارت می کنم پنجره فولاد است. وقتی روبه رویش می نشینم آرامش پیدا می کنم. سعی می کنم تمام درگذشتگان و دوستان را دعا کنم. برای همه التماس دعاکنندگان دعا می کنم. نمی دانم ولی یک جورایی حسن می کنم قبول می شود»

۱۰. بارگاه/ درگاه:

«وه چه تصویری است هر شب آبشاران بهشت / روبه روی حوض گوهرشاد زانو می زنند / هر سحر کوه گناهان را که می ریزد زمین / خادمانت مثل کاه از صحن جارو می زنند /

خسته از درهای بسته، دست‌های ناامید / عاقبت بر پنجره فولاد تو رو می‌زنند» (میلاذ حسنی)

«برخی از مشهدی‌ها و خادمان امام رضا (علیه‌السلام) می‌گویند پنجره فولاد دفتر کار امام است»

«پنجره فولاد، درب ورودی امام است همچون باب جبرئیل در مدینه است. من خودم دیده‌ام باب جبرئیل در نیست پنجره است. آنجا جبرئیل وارد می‌شد و پیش پیامبر و فاطمه زهرا سلام‌الله علیها می‌آمد»

«پنجره فولاد روزنه‌ای برای در ماندگان است. بعضی وقت‌ها آدم خجالت می‌کشد کنار ضریح برود؛ یعنی آدم احساس شرم می‌کند به امام نزدیک بشود. من خودم روز اول رفتم کنار پنجره فولاد نشستم بعد از مدتی احساس کردم اذن دادند از فرمایش به حرم مشرف شدم. به هر حال حرم یک دریایی دارد»

«پنجره‌ای برای غریب در کنار غریب»

۱۱. جوانمردی:

«نقاره می‌زنند؛ / مسیحی شفا گرفت / خلیلی عطا گرفت / کلیمی بها گرفت / یوسف دوباره سرمه ز پایین پا گرفت / با دست‌های لطف تو آزاد می‌شویم / وقتی دخیل پنجره فولاد می‌شویم...»

«مصلحت هست که بد، مست نگاهت باشد؟ / جرعه نه، از کزمت یک دو سه لیوان بزند / دکنتم گفته مریض است، دلش را ببرد / گره بر پنجره فولاد خراسان بزند...»

«پنجره فولاد مرا به یاد آهوی در مانده می‌اندازد. نمی‌دانم فکر کنم امام رضا همین جا آهو را ضمانت کرد. به خاطر آن همه درماندگان، مریض‌های دکتر جواب داده، بدهکاران و همه کسانی که از همه‌جا ناامید هستند امام ضمانت می‌کند»

«کسانی که به هر دلیل نمی‌توانند داخل حرم شوند می‌آیند جلوی پنجره فولاد.

کسانی که عذر شرعی دارند... به آن‌ها هم نگاه می‌کند. حتی برخی گناه زیاد کرده‌اند رویشان نمی‌شود داخل حرم بشوند از اینجا به آقا سلام می‌دهند. گاهی آقا به گناهکارها بیشتر عنایت دارد آدم گناهکار مگر دل ندارد.»

«زمان قدیم اینجا خیابان بوده، لوطی‌ها هنگام عبور یک سلام مشتی می‌دادند و رد می‌شدند. بعضی از آن‌ها به احترام امام رضا راه یافتند. توبه کردند. توبه کار پیش خدا خیلی احترام دارد. خداوند به احترام آن‌ها جلوی پنجره فولاد توبه را می‌پذیرد، به گناهکاران که به امام رضا پناه آورده‌اند توجه ویژه دارد»

«اگر در سقاخانه آب بخوری نمک گیر می‌شوی. مهمان آقا حساب می‌شوی. امام رضا (علیه السلام) اصلاً کل اهل بیت همین طورند. مهمان را دست خالی بر نمی‌گرداند. این‌ها اهل کرم‌اند. ای کریمی که از خزانه غیبت گبر و ترسا وظیفه خور داری دوستان را کجا کنی محروم تو که با دشمنان نظر داری. اهل بیت نعوذبالله خدا نیستند ولی صفت خدایی دارند. مردند.»

۱۲. همبستگی با سقاخانه:

«پراز اعجاز، پراز همهمه سقاخانه / منم و زمزمه مبهم سقاخانه / به تن پنجره فولاد گره خوردم تا روی زخمم بچکد یک نم سقاخانه» (نیره کاشی)

«در حرم امام رضا مکان‌های زیادی برای آب خوردن هست؛ اما یکی سقاخانه است بنده در آنجا به سبب خوردن آب و ریختن آب روی دستم شفا گرفتم.»

«سقاخانه اسماعیل طلاست واقعاً طلا است خیلی باارزش است آبش خوردن دارد مریض را شفا می‌دهد اصلاً باصفا است»

«اسماعیل طلا نام صحن امام رضا است که در آن سقاخانه وجود دارد»

«تابستان است خانم جوانی در کنار سقاخانه با یک لیوان یکبار مصرف آب خورده و

باقی مانده آن را به صورتش می‌باشد به دوستش می‌گوید: بیا آب بخور. دوستش می‌گوید: تشنه نیستم. جواب می‌دهد. خینگه اینکه برای تشنگی نیست باید از این آب بخوری»
 «آمدم خسته و لب تشنه‌تر از اسماعیل / تا بنوشانی‌ام از زمزم سقاخانه / منم و شیشه
 بغضی که ترک خواهد خورد / عاقبت یک شب ابری دم سقاخانه»

نتیجه‌گیری

- پنجره فولاد به‌عنوان یک عنصر، به همراه سایر عناصر، همچون «گنبد طلا»، «ضریح»، «گوهرشاد»، «رواق»، «نقاره‌خانه»، «سقاخانه»، «موزه» «سنگ‌آب» و... نظام^۱ حرم رضوی را تشکیل می‌دهند. مجموعه این عناصر که به دلیل روابط قاعده‌مند نظام محسوب می‌شود نسبت به نظام کلان اماکن مقدس شیعی یک خرده‌سیستم^۲ هستند؛ بنابراین، در اذهان مصاحبه‌شوندگان به همراه پنجره فولاد «مکه»، «منا و مروه»، «کربلا»، «مدینه» و «نجف» تداعی شده است. این روابط ساختارمند است و با همدیگر معنا پیدا می‌کنند.

- پنجره فولاد در زائران ایرانی وضعیت «نمادین» پیدا کرده و دربرگیرنده معانی متکثر و منعطف است. جوار پنجره دارای قداست ویژه و متمایز در درون یک مکان مقدس است. این مکان از یک سو ابهت جوار ضریح را ندارد یعنی افراد می‌توانند بدون قیود مرسوم مثلاً بدون غسل جنابت در آنجا حضور پیدا کنند. از سوی دیگر، حس می‌کنند به دلیل جوانمردی امام رضا (علیه‌السلام) عنایت و توجه در این مکان بیشتر است؛ بنابراین، حضور در کنار پنجره فولاد سودمندتر و کم‌هزینه‌تر است. از این جهت، از جایگاه ویژه برخوردار است.

- از مختصات مکان مقدس همچون بارگاه امام رضا (علیه‌السلام) تقدس‌زایی است. تمام متعلقات

1. system
2. sub system

حرم و هر آنچه پیرامون پنجره فولاد قابل مشاهده است، به شکلی مقدس تلقی می‌شود. آب، سنگ، فرش، جاروب، گلیم، کفش، غذا، کبوتر، دانه‌های گندم، زائر، خادم هرکدام فراخور حال خویش کسب تقدس می‌کند؛ اما برخی عناصر همچون «پنجره فولاد» از تقدس ویژه برخوردارند.

- شکل‌گیری وضعیت ممتاز برای پنجره فولاد در اذهان زائران به دلایل مختلفی همچون مسقف نبودن فضا و احساس اتصال مستقیم به آسمان، قرار گرفتن رو به قبله و پشت سر ضریح، کم مؤونه بودن حضور، قدمت توأم با تجربه‌های احساسی، شکل‌گیری احساسات عاطفی به وسیله مریض‌های طناب به گردن، نزدیکی به سایر نمادهای احساس برانگیز (سقاخانه، نقاره‌خانه)، انعکاس در ادبیات شاعرانه به عنوان ترجیع‌بند، مرتبط است. همه این عوامل «قداست ویژه» را به صورت انباشتی تقویت می‌کند.

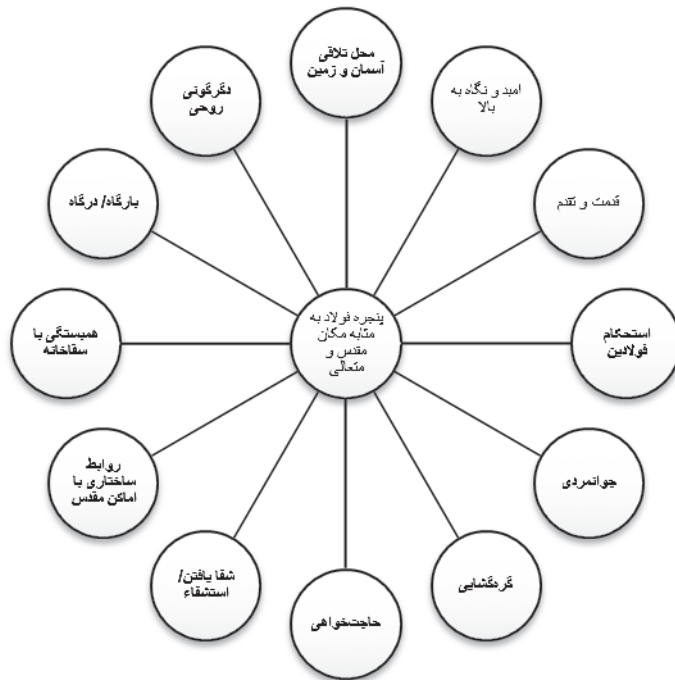
- تقدس ویژه پنجره فولاد از برهم‌کنش عوامل متعددی ناشی می‌شود که بعد «مروت جهان‌شمول» مهم‌ترین آن‌هاست. مفاهیم «کرامت»، «گره‌گشایی»، «آهوی در مانده»، «گناهکار»، «دیوانه»، «توبه‌کار»، «نمک‌گیری»، «مهمان آقا»، «دست‌خالی»، «مرد بودن»، «سلام‌مشتی» و «پناهندگی» ترجمان این بعد است که در فرهنگ ایرانی قدمت دیرینه دارد. تبلور فرهنگ ایرانی جوانمردی در حرم رضوی پیرامون «پنجره فولاد» متمرکز است.

- از ابعاد مهم پنجره فولاد در اذهان مصاحبه‌شوندگان بعد عاطفی آن است. این بعد با قدمت تجربه زیسته و بعد جوانمردی همبستگی کامل دارد. واژه‌های همچون: «شفا»، «مریض»، «موج بیماران»، «دخیل»، «شفاخانه»، «حاجت»، «ناامید»، «مضطر»، «بی‌پناه»، «دل‌تنگی»، «درمانده» و «التماس» ترجمان این بعد در اذهان ایرانی است.

- هر چند پنجره فولاد از میان عناصر سه‌گانه مکان مقدس، به دلیل سازه غیرطبیعی، فاقد عنصر «درخت» است اما بیشترین قرابت معنایی را با «سقاخانه» و «سنگ‌آب» دارد. علاوه بر این، در ذهن زائران پنجره دارای دو بعد صلابت به مثابه سنگ و جانپنداری به مثابه حیات داشتن است. واژه پنجره تداعی‌کننده زندگی درخشان و رو به بالا و واژه فولاد

تداعی‌کننده استحکام سنگ است.

- در جمع‌بندی نهایی و در پاسخ به سؤال اصلی می‌توان گفت: فراگیرترین مضمونی که پنجره فولاد را در اذهان مصاحبه‌شوندگان توضیح می‌دهد مکان «متمایز، متعالی و مقدس» است. به عبارت دیگر پنجره فولاد از تمام ویژگی‌ها و مختصات مکان مقدس برخوردار است. معانی ذهنی و همبسته به صورت خلاصه در نمودار زیر قابل مشاهده است.



منابع و مآخذ

- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه. مصحح: علی اکبر غفاری. چاپ دوم. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- _____ (۱۳۷۸ ق). عیون أخبار الرضا (ع). مصحح: مهدی لاجوردی. تهران: نشر جهان.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ ق). کشف الغمه فی معرفه الاثمه. به تصحیح هاشم رسولی محلاتی. تبریز: بنی هاشمی.
- اسمیت، فلیپ و الکز ندر رایلی. (۱۳۹۴). نظریه فرهنگی. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: علمی.
- الیاده، میرچا. (۱۳۸۵). رساله در تاریخ ادیان. ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- _____ (۱۳۹۴). نمادپردازی امر قدسی و هنر. ترجمه محمدکاظم مهاجری. تهران: پارسه.
- _____ (۱۳۹۵). تاریخ اندیشه‌های دینی. ترجمه بهزاد سالکی. تهران: کتاب پارسه.
- _____ (۱۳۷۵). مقدس و نا مقدس. ترجمه نصرالله زنگویی. تهران: سروش.
- امامی سیگارودی، عبدالحسین؛ دهقان نیری، ناهید؛ رهنورد، زهرا؛ نوری سعید، علی. (۱۳۹۱). «روش‌شناسی تحقیق کیفی: پدیدارشناسی». فصلنامه پرستاری و مامایی جامع‌نگر. سال ۲۲. شماره ۶۸. صص: ۵۶-۶۳.
- آیت‌اللهی، حمیدرضا. (۱۳۸۲). «مقایسه روش تحلیل فلسفی استاد مطهری در اخلاق و روش پدیدارشناسی». مقالات و بررسی‌ها. دفتر ۷۴. صص: ۱۱۷-۱۳۱.
- بررتون، جوئل پی. (۱۳۷۷). «فضای مقدس». ترجمه مجید محمدی. فصلنامه نامه فرهنگ. سال ششم. بهار ۷۷. شماره ۲۹. صص: ۱۲۸-۱۴۵.
- بنی‌هاشمی خمینی، سید محمدحسن. (۱۳۷۸). توضیح المسائل مطابق با فتاوی دوازده نفر از مراجع. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- خان محمدی، کریم. (۱۳۸۵). «تحلیل جامعه‌شناختی مناسک مذهبی در فرایند جهانی شدن (مطالعه موردی مناسک قالی‌شویان مشهد اردهال)». فصلنامه علمی پژوهشی شیعه‌شناسی. شماره ۱۳. صص: ۷۱-۹۰.
- _____ (۱۳۹۸). انسان‌شناسی فرهنگ مذهبی ایرانیان. قم: دانشگاه باقرالعلوم (ع).
- خمینی (امام)، روح‌الله. (۱۳۶۷). تحریر الوسیله. ترجمه محمد باقر موسوی همدانی. قم: دارالعلم.
- صادق گیوی، امیر. (۱۳۹۴). پنجره فولاد. چاپ چهارم. تهران: میراث اهل قلم.
- طبری آملی، محمد بن جریر بن رستم. (۱۴۱۳ ق). دلایل الامامه. قم: بعثت.
- عابدی جعفری، حسن. (۱۳۹۰). «تحلیل مضمون و شبکه مضامین». فصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی. سال پنجم. شماره دوم. صص: ۱۵۱-۱۹۸.
- عالم زاده، بزرگ. (۱۳۹۱). حرم رضوی به روایت تاریخ. چاپ پنجم. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- عناصری، جابر. (۱۳۸۳). «تأثیر تشیع بر ابنیه، اماکن و زیارتگاه‌های مذهبی در ایران». فصلنامه شیعه‌شناسی. سال دوم. شماره هفتم. صص: ۱۲۱-۱۴۶.
- فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۹۶). روش‌شناسی مطالعات دینی. چاپ دهم. مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- فروزان، بدر. (۱۳۲۴). تاریخ آستان قدس. مشهد: گنجینه کتابخانه آستان قدس رضوی.

- فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۱۵). تفسیر الصافی. به تحقیق حسین اعلمی. چاپ دوم. تهران: انتشارات الصدر.
- کتاک، فیلیپ کنراد. (۱۳۸۶). انسان‌شناسی (کشف تفاوت‌های انسانی). ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر علمی.
- گروسی، فاضل خان. (بی‌تا). کتاب مقدس، (عهد قدیم). سفر خروج. (۳:۵).
- لافورگ، زنه ورنه آلودی. (۱۳۷۴). نمادپردازی، اسطوره و رمز (مجموعه مقالات). ترجمه جلال ستاری. تهران: سروش.
- محدث نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۸ ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: موسسه آل البيت (علیهم السلام).
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ق). بحار الانوار. چاپ دوم. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۸۷). مجموعه آثار. ج ۲۵. چاپ چهارم. تهران: صدرا.
- مولوی، عبدالحمید؛ مصطفوی، محمدتقی؛ شکورزاده، ابراهیم. (۱۳۸۸). «سیر تحول معماری و توسعه آستان قدس» (مقاله دایره المعارف ایرانیکا). ترجمه رجبعلی یحیایی. فصلنامه وقف میراث جاویدان. سال هفتم. شماره ۶۵. صص: ۳۲-۴۹.
- Boyatzis, R. E. (1998), Transforming qualitative information: thematic analysis and code development, Sage.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006), "Using thematic analysis in psychology", Qualitative Research in Psychology, Vol. 3, No. 2, Pp. 101-77.
- Eliade, mireca, 1959 () the sacred and the profane: the nature of religion translated from the French by Willard R. trask, A Harvest book and world, newyork.

منابع اینترنتی

- حیدری، محمدرضا. (۱۳۹۸). «گزارش رئیس شورای شهر مشهد». خبر آنلاین. تاریخ مراجعه ۹۹/۶/۶.
www.khabaronline.ir/news/1253932
- صافی گلپایگانی، لطف الله. (۱۳۸۷). پایگاه اطلاع رسانی تابناک. تاریخ درج خبر ۱۳۸۷/۸/۱۴.
https://www.tabnak.ir/fa/news/24092
- صفارهرندی، محمدحسین. (۱۳۸۷). «پایتخت حقیقی ایران مشهد». آستان نیوز: پایگاه اطلاع رسانی آستان قدس رضوی. تاریخ درج خبر ۸۷/۵/۹.
www.news.razavi.ir/fa/87701